

کلیسا

یکی از عوامل بحران معنوی غرب!

اخیراً کلیسا در کشور های اسلامی دست به تبلیغات مضحکی زده است و همین کلیسا و پدران روحانی که انحرافشان از مسیحیت اصیل ، موجب فساد و بحران معنوی در غرب شده است از مسلمانان میخواهند که اسلام را رها کنند و به مسیحیت بگردند .

یکی از روش های تبلیغاتی کلیسا بدین ترتیب است که در سالهای اخیر جزوات کوچکی را با تیراژ مهمی چاپ کرده و برای کان در اختیار جوانان و نوسودان قرار میدهد .

این جزوات شامل داستا نها و مطالبی از انجیل تحریف شده New Testament است و در آنها گاهی از خدمات گروه های تبلیغاتی و مسیون های مذهبی ! که به کشورهای در حال توسعه ! سفر کرده اند یاد میشود .

و جالبتر از این ، بخش بر نامه هایی بزبان های مختلف بنام و صدای انجیل ، است که از رادیو آدیس آبابا (پایتخت اتیوپی) بخش میگردد و در آن از مسلمانان میخواهند که به آئین مسیح بپیوندند که فقط به محبت و دوستی و عشق دستور میدهد و انسان را از هر گونه خون ریزی منع میکند !!

گرچه این تبلیغات دروغین و ریاکارانه ما را بر آن میدارد که مقایسه ای بین اسلام و مسیحیت تحریف شده کنونی بعمل آوریم اما قبلاً با قاطعیت و اطمینان میگوئیم که مسلمانان و مخصوصاً مردم ایران و حتی نوسودان هرگز فریب تبلیغات کلیسا را نمی خورند .

مردم مسلمان ایران خوب میدانند که فرستنده «صدای انجیل» که شب و روز دم از محبت و دوستی و عشق میزند در کشور ایران قرار دارد که مردم آزاد بخوانند و مسلمانان کشور اشغال شده آریتره را به جرم استقلال طلبی با بمب و شکنجه‌های غیر انسانی نابود میکنند (۱)

مردم ایران هرگز خاطره ویلیام کنت داری را که امتیاز استخراج نفت را از ناصرالدین شاه گرفت فراموش نمیکنند.

ویلیام کنت داری همان مرد کانا دایی فرانسوی اصلی بود که امتیاز استخراج را از شاه قاجار گرفت و مدتی بعد هنگامیکه سوار کشتی بزرگی شد تا به سرزمین پدرانش بازگردد با یک کشیش وارسته آشنا شد.

«داری از شنایی با کشیش مبلغ که تصور نمود کاملاً مانند او فکر میکند شاد بود، قدسی- مآب از مشرق زمین بر میگشت. میگفت اگر سرمایه‌های ضروری را داشته باشد در آنجا (ایران) هیأت مبلغین مسیحی تأسیس خواهد کرد اما، اینک..»

در مقابل این همه دور افتاد گیها و زهد ناگهان ویلیام داری با اعتماد و محبت دزدل پیر خود را آشکار ساخت. داستان زندگی خود را بدوست تازه اش حکایت کرد و ستم‌هایی که کشیده بود برشمرد.

در آغاز کشیش کمتر علاقه نشان میداد ولی بیشتر بخاطر رعایت ادب به سخنان او گوش میداد.

تنها در موقع دور شدن از جزایر مشرق بود که ناگهان یک اندیشه «یک شوق و شور باطنی» بخاطر داری رسید. برای چه نبایستی فرمان گرانهارا که میلیون‌ها میلیون ارزش دارد برای انجام خدمت بر جسته‌ای یا برای عایدات موقوفه‌ای مورد استفاده قرار دهد.

ناصرالدین شاه و روده‌یشت مبلغین را در مالک محروسه خود منع کرده است، اما با پول زیاد میتوان رضایتش را جلب کرد. این اندیشه که کشیش مبلغ آنرا بر حسب اتفاق در گفتگو طرح میکرد، بدون تأمل عنان را از ویلیام گرفت و او را در محظور قرار داد.

آیا شما این تکه کاغذ را میخواهید؟ خیلی خوب! چونکه بآئین پر و تستان خدمت خواهید کرد. پس آنرا بردارید.

کشیش با او نمود کردن حالت تعجب برایگان سند مشهوری را اخذ کرد که کمی قبل از آن صاحبش آنرا در مقابل میلیاردها واگذار نکرده بود!

در اسکله ژولیت بهترین دوستان باهمدیگر وداع کردند تا فردا مجدداً بایکدیگر ملاقات

۱- مکتب اسلام شماره ۶ سال دهم مقاله «جهاد آزاد بیخش در آریتره».

کنند فردانه از کشیش خبری شد و نه از فرمان .

يك تحقیق سریع به کنت داری آشکار ساخت که او بطور عجیب و درخشانی « فریب » خورده است .

دوستش یکنفر کشیش دروغی بود . اما بهترین جاسوس بین المللی اتملیجنت سرویس بنام سیدنی ریلی بوده است .

اعمال سیدنی ریلی در بین تمام جاسوسان بریتانیایی مسلماً سحر آمیز تر بود . از طرف دیگر برای او ارزش داشت که در پرونده های محرمانه رتبه اول را احراز کند .

با وجود موفقیتی که این بار در کار ماهرانه و تقدیری خود بدست آورد اما سیدنی ریلی هر چند تغییر لباس داده تزییناتی بکار برده بود معذامرد پارسا و دینداری بود ! بجای آنکه بدون تأمل « سند سبز » رابرتسای مافوق تسلیم کند اقداماتی بعمل آورد که آنرا در نزد سرمایه داران امریکایی با پول معاوضه کند ! ولی گفتگوها بموقبت نرسید!!...» (۱)

این تنها نمونه ای از خدمات پدران روحانی ! است . کلیسا و پدران بزرگوار تا بحال خدمات برجستهای بفتح کمپانیها !! انجام داده اند و خلاصه آنکه « در قرن ماسیاستهای غربی از جهاتی کاملاً تحت نفوذ کلیسا و واتیکان هستند و از طرف دیگر کلیسا و واتیکان خود عامل امپریالیسم در سرزمینهای اسلامی میباشد هیئت های تبشیری در کشورهای اسلامی و بطور کلی آفریقائی و آسیائی ، بیشتر جنبه جاسوسی و کسب خبر دارند و حتی در بعضی از کشورها دیده شده کسانی مقامات حساس و پست های مهم را بدست گرفته اند که با سازمانهای بهداشتی و خیریه ! ؟ کلیسا ارتباط داشته اند و این خود نشان دهنده چگونگی نفوذ کلیسا در سیاستهای استعماری غربی و نفوذ سیاست در میسیون های مذهبی است » (۲)

و من در حیرت م که چگونه کلیسا با این سوابق درخشان !! هنوز میسیون های مذهبی و گروه های تبشیری به سرزمین های اسلامی اعزام میدارد .

کلیسا در مدت چندین قرن تسلط جا برانه خود بر جان و مال انسانهای غربی چه چیزی به آنها داد ؟ پریشانی ، نابسامانی ، بیماریهای روانی و سرانجام پشت پا زدن به مذهب و بی اعتقادی مطلق و نهیلیسم هدیه کلیسا برای غربیان است

(۱) کتاب نفت از سری چه میدانم (سازمان نشر فرهنگ انسانی) بخش دوم ، رمانی از مشرق زمین ترجمه از مجله ایستوریا Historie فوریه ۱۹۶۲ نوشته پیر ماریل .

(۲) کتاب « دو مذهب: مذهبی عامل ارتجاع و امپریالیسم ، مذهب دیگری در راه ملتها و برای توده ها » ص ۲۵ .

نیکسون رئیس جمهور آمریکا در اولین پیام خود به این نکته اشاره کرده که :
 «ما خود را در کالاهای غنی می یابیم اما روحیه متزلزلی داریم در حالیکه با دقتی درخشان به ما
 می رسیم اما در این چند روز زمین گرفتار تشنگی خرد کننده ایم . در برابر بحران معنوی که دامنگیر ما
 شده احتیاجی به پاسخ معنوی داریم» (۱)

می بینید که نیکسون با کمال صراحت به بیماری و پوسیدگی نهادهای معنوی غرب اعتراف
 میکند، چندی قبل **جان فوستر دالس** وزیر خارجه متوفای ایالات متحده در فصل بیست و یکم
 کتاب مشهور خود «**جنگ یا صلح**» مینویسد (کاملادقت کنید) :

« در میان جامعه مایک چیز بنحوی نادرست جریان دارد و گرنه به تنگنای چنین حالت
 روحی نمی افتادیم . نباید خودمان را باخته یا حالت دفاعی بگیریم آنچه برایمان پیش آمده در
 تاریخ ملت ما تا زگی داشته و بی سابقه است .
 این مسأله مربوط به امور مادی نیست . چون از لحاظ چیزهای مادی بزرگترین تولید
 کننده جهانیم چیزی که کم داریم و فقدانش ما را باین روز نشانده ایمانی نیرومند به آئینی
 راستین است .

عاملی که بدون آن تمام چیزهایی که داریم کم و کاست خواهد بود . این نقص یعنی کمبود
 ایمان رانه سیاستمداران هر چند زبردست و توانا باشند ، و نه دیپلماتها هر قدر بر زیر کیشان
 بیفزایند و نه دانشمندان با تکثیر اختراعات و اکتشافات نشان و نه بمبها با اوج قدرت انفجارشان قادرند
 ترمیم و جبران کنند . هنگامیکه مردمی فکر کنند باید همیشه بر اشیاء و امور مادی متکی باشند
 حتما گرفتار عواقب سوئی خواهند گشت .

در کشور ما نظام اجتماعی آن «اخلاص و فداکاری» را که دفاع از رژیم مستلزم آنست در
 اتباع خود بر نمی انگیزد . عقل مردم گرفتار یکنوع آشفتنگی و سراسیمگی شده و روحشان بخود
 خوری و وارفتگی مبتلا گشته است و بر اثر آن بمعرض نفوذ دشمن درآمده و آماده پذیرش
 تبلیغاتش شده است .

دسته های متعدد جاسوسانی که با بحال کشف کرده ایم گواه صادق این نفوذ پذیری است ،
 تا وقتی مردم مادارای چنین روحیه بی هستند و تا وقتی نتوانسته ایم این نقص روحی را بر طرف
 هیچ سازمان و هیچ اداره ضد جاسوسی نخواهند توانست دولت و رژیم ما را از دستبرد و گزند جاسوسان
 دشمن در امان نگه دارند .

در خارج کشور ، ماسیاست خارجی را جز بوسیله پول و کالا نمی توانیم پیش ببریم .
 از طرفی چون میدان عمل و سائلی مانند پول و کالا بسیار محدود میباشد جولا نگاه سیاست خارجی
 ما هم دایره نمی تنگ و محدود شده است . سیاست خارجی محدود و طبعاً سیاستی است تدافعی و سیاست
 تدافعی قهر آشکشت خواهد خورد .

(۱) روزنامه کیهان شماره ۷۶۴۹ اول بهمن ۱۳۴۷

مادر تنگنایی گیر افتاده ایم . تنگنایی خطرناک . چون تا کنون نتوانسته ایم از این تنگنا بیرون بیاییم نفوذ اخلاقی و روانیمان را روز بروز از دست داده ایم و در منطقه ای که وصول وسایل مادی از قبیل توپ و تانک و کالابه آن میسر می باشد محصور مانده ایم . اینست آن عامل مهمی که بعید نیست باعث محاصره و ناپودی قطعی ما توسط دشمن شود .

تا زمانی که مذهب و ایمان نداریم و در جامعه بفرنج و بر پیچ و خم نوین از وسایل معنوی و اخلاقی استعانت نجسته ایم قادر بمبارزه با کمونیسم شوروی در پهنه گیتی نخواهیم بود و از عقیم نهادن تا کنیک های فریب کارانه و تهدید کننده اش عاجزیم .

هنوز در ته دل مرددیم از میان مادیت و فردیت کدامیک را برگزینیم . دین و ایمانمان هم نه نیرومند است و نه آن تعریف و شناختگی و روشنی لازم برای انتشار در سراسر جهان را داراست .

مادر راه تحقق عدالت اجتماعی بدان گونه که لازمه اش پیروی از مادیت و گرایش به الحاد نباشد به نحو گریه آوری شکست خورده ایم .

بر اثر ناکامی در این امر اتباع ما ایمان نشان را به جامعه آزاد یعنی جامعه کاپیتالیست از دست داده اند ، ماملتی را مانیم که ایمان مذهبییش را رها کرده باشد . شعائر و اخلاق دینی را ترک گفته ایم و علی رغم آن مدعی پیروی از مذهبیم . میان دین و دینداری فرق گذاشته ایم و به اینکه ایمان باید در تمام شئون زندگی جاریان یا بدو حاکم بر کردار باشد و با شرایط تازه تمدن هماهنگی پیدا کند معتقد نیستیم . از یاد برده ایم که لازمه مذهب پیروی از نوع رفتار اخلاقی است .

با گسستن پیوندی که ایمان باید با کردار داشته باشد نخواهیم توانست آن نیروی معنوی و آن روحانیتی را که قابلیت نشر و تبلیغ و اشاعه در جهان را داشته باشد در دل پیروانیم . مادو چیز را فاقدیم : **مرام و شخصیتی ایده آل** . همان دو عاملی را که بنیان گذاران جامعه امریکا در ضرورتش تأکید بسیار کرده اند . چون بی مرامیم و تهیدست از آرمان و نمونه ایده آل قادر به مشعل داری مردمانی که اسیر دیکتاتوری کمونیسم هستند نخواهیم بود . رسالتی نداریم تا برای مردمان نگو نبخت پیامبرش شویم و نگذاریم آخرین اشعه آرمان و ایمان در دلشان فرو بمیرد . (۱)

* * *

و من شك ندارم که فقط اسلام است که میتواند غرب را از این «تشتت خرد کننده» نجات بخشد و پاسخگوی نیازهای معنوی غرب شود . همان اسلامی که مردان بزرگی چون علی بن ابیطالب و سلمان فارسی و ابوذر غفاری و عمار یاسر به جامعه بشریت تحویل داد . مردانی که بخاطر انسان و جامعه انسانی نبرد کردند و سرانجام جان خود را نیز فدای «انسان» و «انسانیت» کردند .

(۱) فصل بیست و یکم کتاب جنگ یا صلح اثر جان فوستردالس نقل از کتاب «تکامل مبارزه

ملی» از جلال الدین فارسی صفحه ۲۲۱ .